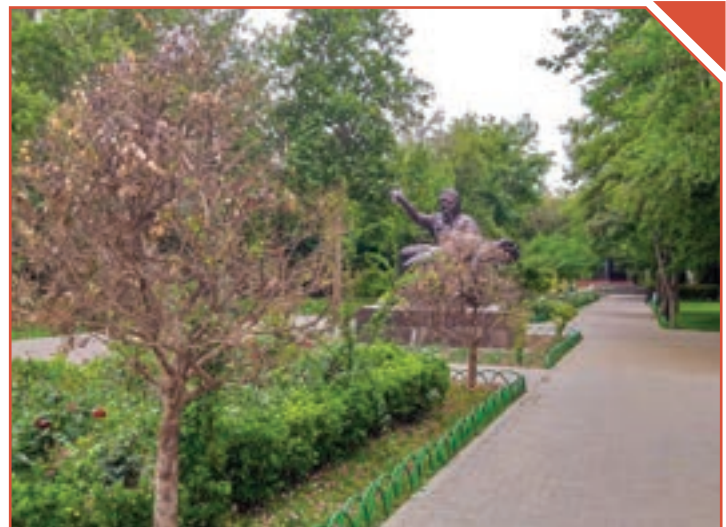


سرماي زمستان گذشته، جان را از تن برخی درختان بوستان ملت برده است

تلاش شهرداری برای احیای بافت خشکیده



سیدمصطفی بهشتی اوقتی در مسیر قدم برمی داری متوجه می شوی چیزی تغییر کرده است؛ تغییری که جلب توجه می کند و در عین حال آزاردهنده و نا زیباست؛ درختانی که برگری به تن ندارند و در روزهای بهاری سال لخت شده اند. این داستان برخی بوته های گیاهان هم هست؛ انگار که جان از تن این گیاهان رفته است. دیدن چنین منظره ای در بوستان ملت که همیشه زبیبی هایش را به خاطر داریم کمی عجیب است. در کوچه های بوستان ملت قدم می زنیم تا با شهروندان در این باره گفت و گو کنیم.

پاییتال و یاس هلندی، گیاهان خشک شده بوستان

فائزه کیانی از جمله شهروندانی است که توجهش به درختان خشک شده بوستان جلب شده است و وقتی در جریان گزارش قرار می گیرد، با مادر این مسیر همراه می شود. کیانی در ابتدا به سه نهال خشک شده کنار هم در مقابل در سبزی اشاره می کند و می گوید: شما بعد از ورود از این درختان مواجه می شوید که اصلاً زیبا نیست. به نظر می آید بهتر به این درختان رسیدگی می شد تا خشک نشوند، ولی حالا که این اتفاق افتاده است، باید زودتر با درختان سالم جایگزین شود. کیانی در ادامه بیش از پانزده نهال را که از یک گونه هم هستند، به ما نشان می دهد که سرشاخه های آن ها تمام درخت خشک شده اند. با پرسش از نیروی فضای سبز در حال کار در بوستان، متوجه نام این درختان که «یاس هلندی» است، می شویم. کریم صادق زاده، دیگر شهروندی است که متوجه بافت خشکیده گیاهی وسط فضای سبز شده است. او با اشاره به بوته های پاییتال می گوید: این بوته ها را ببینید، با اینکه طی سال ها رشد زیادی کرده اند، کامل خشک شده اند و با توجه به اینکه تعداد آن ها زیاد است، فضای پارک را غم انگیز کرده اند. نکته جالب این است که هیچ کس این بوته های خشک را جمع نمی کند و همین طور به حال خود رها شده اند.

او ادامه می دهد: واقعاً حیف است که فضای این بوستان این گونه به حال خود رها شود و هیچ کاری هم برای آن انجام ندهند. منی که بیست سال است به این پارک رفت و آمد می کنم، توقع دیدن چنین صحنه هایی در این بوستان را ندارم.

حذف درختان و بوته ها پرهزینه است

کارشناس فضای سبز بوستان ملت ضمن تأیید خشک شدن برخی نهال های پنج تاده ساله این بوستان می گوید: متأسفانه این اتفاق برای درختان یاس هلندی روی داده است و ما شاهد خشک شدن سرشاخه های این درختان هستیم. علی ریحانی درختان خشک شده را احیاء می می داند و می گوید: یاس هلندی، درخت حساسی است و باید از این درخت حفاظت بهتری صورت بگیرد. در سرماي زمستان گذشته، شاهد دمای منفی ۲۵ درجه در مشهد بودیم که این دما برای این گونه گیاهی قابل تحمل نیست. در حال حاضر هم سرشاخه های درختان یاس هلندی در بوستان دچار سرما و خشکی شده اند. ما احتمال می دهیم که ساقه و ریشه این درختان سالم باشد، بنابراین عملیات بازپیرایی را برای این درختان انجام می دهیم تا بتوانیم آن ها را در صورت امکان احیا کنیم. وی ادامه می دهد: برای هر یک از این درختان بسیار هزینه شده است تا به وضعیت امروز برسند. این هزینه شامل خرید نهال، آب، کود و نیروی انسانی است، بنابراین نمی توانیم با خشک شدن سرشاخه به سرعت موجودی زنده را از زمین خارج کنیم و دور بیندازیم. باید در مرحله اول برای احیای این نهال ها تلاش کنیم.

ریحانی، خشک شدن بوته های گل پاییتال را نیز ناشی از سرمای بی سابقه زمستان می داند و می گوید: این بوته ها بافت زبیبی در فضای سبز بوستان ملت ایجاد کرده بودند اما متأسفانه آن ها هم از سرماي سخت در امان نبودند، بسیاری از برگ های آن ها خشک شده است. کارشناس فضای سبز بوستان ملت، حذف کامل بوته های پاییتال را غیر منطقی و پرهزینه می داند و می گوید: بافت گیاهی پاییتال در بوستان ملت ما حاصل یک بوته نیست و به ازای هر متر مربع، پانزده بوته از این گیاه کاشته شده است، بنابراین باید صبور و کنیم و عمل احیاء را در دستور کار قرار دهیم تا از ریشه های زنده برای زیبا سازی دوباره بوستان بهره مند شویم.

منطقه ۱۱

منطقه ۱۲

همسایه به همسایه، دیدار سوم، خیابان بوستان ۴/۱

اینجا همسایه داری حرف اول را می زند

میترا صدرا آن زمان که محله جاهد شهر دور افتاده و جزوی از منطقه ۱۰ شهرداری بود و امکانات کمی داشت، ساکنان اولیه آن با باری یکدیگر از آن روزهای سخت گذشتند و سکونت در این محدوده را دوام آوردند. در خیابان بوستان ۴/۱، پانزده همسایه طی ۲۸ سال اینجا ساکن شدند. جهاد کشاورزی بخشی از این زمین ها را به کارکنان واگذار کرده بود و مردان خانواده، چهار دیواری ای بنا کردند و دست همسرو بچه ها را گرفتند و بعد از ساخت خانه به اینجا آمدند. هنوز این اتحاد و همدلی بینشان زنده است. بوستان میخک در انتهای خیابان، محل دیدار روزانه بانوان این معبر است. با پارچ و لیوان و شربت سکنجبین به بوستان آمده اند تا از حال و هوای همسایگی شان در این سال ها بیشتر بگویند.

همسایه، اولین تکیه گاه

صغری رنجبر که او را به نام فامیل همسرش «رحمانیان» هم می شناسند، نقطه وصل همسایه هاست. او و خانواده اش از اولین ساکنان این خیابان بوده اند و بعد هم خانواده کاشف، تدین، مهاجر و تاج ساکن اینجا شدند و به مرور در سال های بعد، همسایه های دیگری به آن ها اضافه شدند. در این کوچه، همسایه داری حرف اول را می زند. صغری خانم می گوید: اینجا همسایه ها هر کاری داشته باشند، قبل از اینکه برای کمک دنبال کسی بگردند، اول سراغ همسایه های روند. بارها پیش آمده است ساعت ۱۲ و یک شب به همسایه ها زنگ زده و کمک خواسته ام. مراسم عزاداری امام حسین (ع) در روز تاسوعا یکی از برنامه هایی است که با همت همسایه ها در این کوچه برگزار می شود و ظهر تاسوعا کوچه را فرش می کنند و بعد از عزاداری به مدعوین ناهار می دهند. صغری خانم می گوید: بیش از ۲ هزار مهمان داریم و از اول تا آخر مراسم همسایه ها پای کار هستند. از یک هفته جلوتر کار با همکاری همه شروع می شود و وزن و مردود خترو پسر با جان و دل برای امام حسین (ع) خدمت می کنند.

او «فرشته معنوی» را دلسوز و مهربان توصیف می کند و می گوید: خانواده آقای کاشف بعد از مادر این کوچه ساکن شدند. فرشته خانم مهربان و کارراه انداز است. هر بار مشکلی پیش می آید و پیش او می روم، با درایت آن را حل می کند.



برگزاری دوره قرآن، جزو افتخارات کوچه

فرشته خانم هم همسایه خود را اخیراً خواه و نقطه اتصال همسایه ها معرفی می کند و می گوید: امکان ندارد به در خانه صغری خانم بروی و نا امید برگردی. همسایه های اینجا به هم وابسته هستند. وقتی می خواهیم مهمانان عروسی را مشخص کنیم، سرلیست آن، مختص همسایه هاست. بعد اقوام و نزدیکان. اگر بیمار شویم، اول همسایه ها خبردار می شوند. اگر عزادار شویم، همدیگر را خبر می کنیم و به کمک هم می رویم. در این کوچه همسایه ها از پدر و مادر و خواهر و برادر به هم نزدیک تر هستند. دوره های قرآن این کوچه جزو افتخارات ماست و فرزندان مادر همین دوره ها با قرآن آشنا شدند و قرائت را آموختند. آن قدر به هم اعتماد داشتیم که وقتی مشکلی پیش می آمد، بچه هایمان را در خانه همسایه می گذاشتیم و برای رفع مشکل می رفتیم. خدایلی لطف کرد که ساکنان خیابانی شدیم که همسایه های خوبی دارد.



کنار هم در شادی و غم

همسایه بعدی این کوچه، فاطمه حسینی است که همسایه ها او را به مهر بانی و دلسوزی می شناسند. او از قدیم این خیابان و محله روایت می کند که اینجا بیابان و برهوت بوده است و اگر همسایه ها نبودند، از این محله می رفته است. فاطمه خانم می گوید: درمانگاه نداشتیم، ایستگاه اتوبوس نبود، به تلفن دسترسی نداشتیم و اگر همسایه ها نبودند، روزگار سخت تر از این می گذشت. اما وجود همسایه ها و اتحاد و همدلی بینشان، همه را اینجا نگه داشت. خانم حسینی در ادامه، شکل گیری دوره قرآن ریحانه النبی (س) را از عوامل ایجاد ارتباط میان بانوان محله می داند و می گوید: از طریق این دوره قرآن بود که بسیاری از دوستی ها و آشنایی ها شکل گرفت و باعث شد همسایه ها یکدیگر را بشناسیم و الان رابطه ما به گونه ای است که در شادی و غم کنار هم هستیم.

